

ایرانیان، نهضت مشروطه خواهی و نمونه ژاپن پیشرو

هاشم رجب‌زاده*

در چند دهه پیش از جنبش مشروطه‌خواهی، ایران یکی از دوره‌های پرتیش تاریخ خود را می‌گذراند و در هنگامی که قدرتهای اروپایی با بهره‌گیری از علوم جدید و ابزارهای تمدن ماشینی در پی افزودن نیرو و توسعه نفوذ خود در جهان بوده و ملت‌هایی دیگر در گوشه و کنار عالم نیز بیدار شده و به پا خاسته بودند، شاه قاجار و دربارانش به جای درک نیازهای زمان و تلاش برای جبران عقب‌ماندگیها، جز به هوس و راحت خود نمی‌اندیشیدند. ایران در پی شکست نظامی از روسیه و بسته شدن پیمان ترکمانچای (۱۸۲۸)، زیر فشار دو همسایه نیرومند درآمده بود و دو دولت روس و انگلیس برای تحکیم و توسعه نفوذ خود در آسیا، ایران را در تنگنا گذاشته بودند و در تضعیف آن می‌کوشیدند. این دو دولت از ایران که مالیه‌ای بی‌سروسامان داشت و بارها نیز برای جبران اشتباهکاریها و برآوردن هوس شاه به سفر فرنگ دست نیاز به سوی آنها دراز می‌کرد، همه‌گونه امتیاز می‌گرفتند.

نخستین تلاش تجددخواهی در دوره زمامداری امیرکبیر (۱۲۶۶ تا ۱۲۶۸ ه.ق/ ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ م) و به همت این وزیر روشن‌بین کاردان صورت گرفت، اما ناکام ماند. پژوهندگان ایران با ملاحظه تدابیر و کارهای سازنده امیرکبیر، به خصوص تأسیس دارالفنون که حدود دو دهه پیش از بنیادگرفتن نخستین دانشگاه جدید در توکیو صورت گرفت، گفته‌اند که ایران تلاش برای تجدد را بیست سال زودتر از ژاپن آغاز کرد، و بر شکست آن در این کار افسوس خورده‌اند.

ناصرالدین شاه در سلطنت پنجاه ساله خود، روزگاری که شاید حساس‌ترین دوره تاریخ جهان از نظر تعیین سرنوشت ملت‌ها در عصر جدید بود، چندان غم‌مُلک و رفاه رعیت نداشت و همه همش بر این بود که کارها به دست صدراعظم بگردد تا او

* آقای دکتر هاشم رجب‌زاده عضو هیأت علمی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا ژاپن است.

بی‌دردسر به سفر و شکار و شهوترانی خود برسد. یکی از درباریان‌ش دربارهٔ منش او نوشته است:

عیب کلی (ناصرالدین شاه) آن بود که از شدت غرور و تکبر احدی را در علم و تتبع از خود بالاتر نمی‌دانست و تمام علم و هنر، صنعت و حرفت را فقط لازمهٔ وجود خودش می‌دانست... به کلی برخلاف پطرکبیر پادشاه معظم روسیه بود... که او میل داشت عاقل‌ترین ملت روسیه خودش باشد مشروط بر این که تمام ملت او هم فاضل و کامل باشند و او به قدر شأن و جلالت ظاهری که داشت مایل [بود که] علماً و فضلاً هم برتری داشته باشد. ملت خود را تربیت می‌کرد و خودش بهتر از آنها تحصیل می‌کرد. ناصرالدین شاه فقط میل داشت که شخص خودش دارا باشد... این عیب او ایران را پایمال کرد، و الا در مدت پنجاه سال سلطنت به آن استقلال که احدی نخواهد دید ممکن بود هزار قسم رعیت او تربیت شود و ترقی کند که حوصلهٔ انسانی از تصور آن خارج باشد.^۱

ناصرالدین شاه پس از نیم قرن حکومت به استبداد و دادن امتیازهای فراوان به بیگانگان در روز جمعه ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ (مه ۱۸۹۶) در حرم شاه عبدالعظیم با گلولهٔ میرزا رضا کرمانی، از شیفتگان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، کشته شد. این رویداد منشأ تحولی بزرگ و دامنه‌دار در تاریخ معاصر ایران بود. در خاطرات عین‌السلطنه می‌خوانیم: معتضدالسلطنه با پسر صدراعظم و جمعی دیگر به ملاقات (میرزا رضا) رفته بودند... گفته است ظلم رفت، عدل آمد. امیرتومانی موقوف شد، لقب منسوخ شد... چرا سالی صد هزار تومان خرج عزیزالسلطان بشود... این نایب‌السلطنه چرا اسباب آن قدر خرابی بشود... بد کردم جان خودم را فدای شماها کردم؟ دیگر ظلم و ستم آن قدر نخواهد بود... این مطالب و گفته‌های او طوری شهرت پیدا کرده و شیوع یافته که هر عوام کالانعامی مباحثه و گفت‌وگو می‌کند و مطلب تازه به گوشش می‌خورد.^۲

در سلطنت مظفرالدین شاه و با ضعف نفس و مزاج او، نابسامانی کارها هرچه بیشتر شد. سفرهای مکرر شاه به اروپا به بهانهٔ معالجه، به اغوای درباریان عشرت‌طلب، نیز وضع مالی کشور را بدتر و مردم را نومیدتر کرد. عین‌السلطنه وصفی مناسب از احوال آن روز ایران آورده است:

۱. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، صص ۲۰-۱۳۳۹ (از روزنامه مورخ سه شنبه ۲۴ جمادی‌الاولی ۱۳۱۶).

۲. همانجا، صص ۵۷-۹۵۶.

دولت ایران حالیه نه قانون دارد نه زور. اگر بخواهد برحسب قانون مالیاتی علاوه کند نمی‌شود... زور هم نیست که به واسطه جبر و عنف کاری از پیش برود... همه کس حالت حالیه ایران را می‌داند. خداوند دولت آسمانی چین را حفظ نماید که چند سال است سپر بلای ما شده، و الا کار ما تمام و روزگار بهتر یا بدتر تکلیفات معلوم شده بود.^۳

روس و انگلیس هر یک امتیازهای تازه می‌خواستند. براون در کتاب انقلاب ایران نوشته است که در این هنگام رقابت این دو دولت در ایران به اوج رسید.^۴ تحول فکری و اجتماعی در ایران که به تغییرهای بعدی انجامید در جریان قیام مشروطه‌خواهی پیدا شد، که با پیشرفت سریع ژاپن و تبدیل آن به یک جامعه پیشرفته آسیایی و ظهور قدرت تازه‌ای در جهان پس از پیروزی ژاپن در جنگ با روس، همزمان بود. توجه عامی که روشنفکران و اندیشمندان ایران به ژاپن یافتند در این دوره نمودار شد.

از تحولاتی که با آغاز جنبش مشروطه‌خواهی رخ داد رونق گرفتن مطبوعات بود. مطبوعات ایران که بیشتر منحصر بود به روزنامه دولتی وقایع اتفاقیه و چند روزنامه دیگر در تهران و اصفهان و شیراز و تبریز و مشهد، تعدد و تنوع بیشتری یافت و از وسایل عمده بیدار کردن مردم شد، چندان که براون آن را «قوی‌ترین وسیله برای تجدید در ایران» شناخته و در کتاب مفصلی به آن پرداخته است.^۵

اوضاع جهانی

در این سالها دو رویداد جهان، و بیش از همه آسیا، را تکان داد و شور و سروری در مردم سرزمینهای زیر استعمار و فشار اروپاییان برانگیخت. این دو پیشامد دگرگون‌ساز دنیا یکی جنگ ترانسوال و دیگری پیروزی ژاپن در جنگ با روس بود. پایداری جانانه‌ای که مردم سرزمین کوچک ترانسوال برای حفظ آزادی و استقلال خود در برابر قدرت جهانگیر آن روز انگلیس نشان دادند نوری از امید به دل اندیشمندان و آزادیخواهان کشورهای استعمار شده تاباند. جمهوری ترانسوال در

۳. همانجا، (از روزنامه پنج‌شنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸) ص ۱۳۱۸ (اشاره است به شورش «بوکسورها» در چین که بهانه به دست دولتهای اروپایی برای مداخله در آنجا و تقسیم منابع و ثروت آن میان خود داد، و همایگان مقتدر ایران گره این طعمه بزرگ سرگرم بودند).

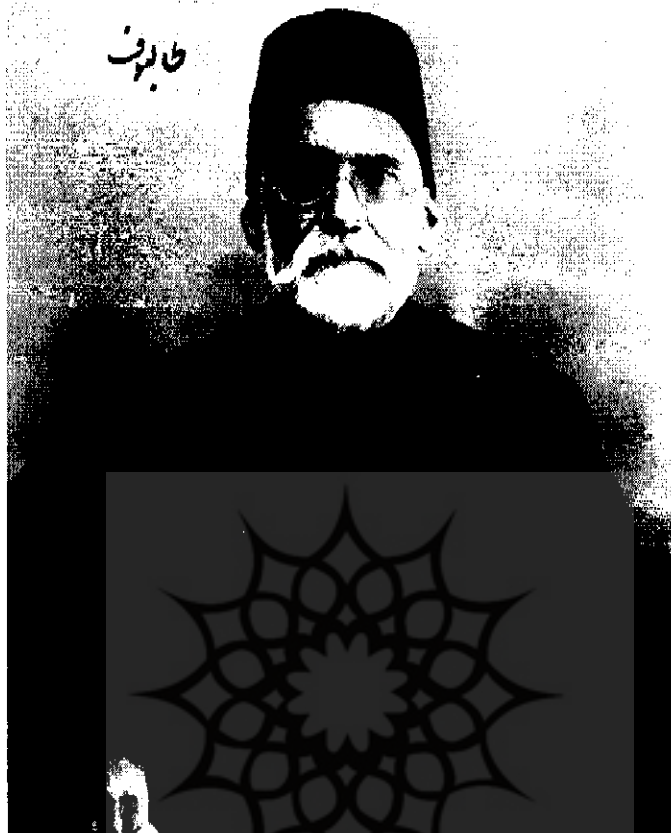
گوشه‌ای دورافتاده از افریقا برای کانه‌های الماس و معادن سرشار خود طمع دولت بریتانیا را برانگیخته بود. مردم دو جمهوری کوچک ترانسوال و اورانژ با دلیری و از جان‌گذشتگی افسانه‌وار ماهها با قدرت عظیم بریتانیا جنگیدند و در چند ماهه نخست فتوحات نمایان کردند تا این که دولت انگلیس سپهسالار نامی خود لرد رابرت را با لرد کیچنر فاتح سودان و نزدیک به دوست هزار سپاهی به آنجا فرستاد و رفته‌رفته غلبه یافت. نزدیک چهل هزار انگلیسی در این جنگ از میان رفتند. عین‌السلطنه در روزنامه سه‌شنبه یازدهم ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ خود آورده است: «از رشادت و جلالت بوئرها هر چه نوشته شود کم است. این یک مشت جمعیت در آزادی مملکت خود فوق‌العاده ایستادگی کردند و هنوز هم می‌کنند.»^۶

در گوشه دیگری از جهان در خاور دور، پیروزی شگفت‌انگیز ژاپن بر روسیه، قدرتی که در پی شکستهای ننگین و خفت‌بار ایران از قشون تزار در دلها رعب افکنده و پشتوانه حکومت مطلقه در ایران بود، حیرت و تحسین ایرانیان را برانگیخت.

ژاپن در جنگ با چین (۹۵ - ۱۸۹۴م) طعم پیروزی را چشیده، اما در نتیجه مداخله و فشار سه دولت روسیه، فرانسه و آلمان از بیشتر دستاوردهایش محروم مانده بود. این سه دولت به چین وام دادند و منابع ثروت آن را وثیقه برداشتند. بریتانیا نیز امتیازهایی گرفت. این تاراجگری قدرتهای استعماری، ژاپن را نگران ساخت، تا این که در میانه آشوبی که در چین پیش آمده بود فرصتی برای اصلاح وضع نامطلوب خود یافت. در سال ۱۸۹۹ مقاومت چینها در برابر تاراج خارجیها به صورت شورشهای دامنه‌داری بروز کرد. شورشیان راههایی را که به پکن می‌رسید بستند و نمایندگیهای خارجی را محاصره کردند. از دولتهای طرف پیمان با چین، فقط ژاپن در وضعی بود که توانست به درخواست دولتهای غربی، به خصوص انگلیس، نیروی عمده‌ای به سرعت به آنجا برساند و با این کار سهمی از غرامت هنگفتی را که قرار شد چین بپردازد، به دست آورد. به دنبال این پیروزی نظامی و سیاسی، روابط ژاپن با روسیه تیره‌تر شد. این دولت که از نقشه‌ها و عملیات آزاد کردن نمایندگیهای خارجی در پکن دور نگهداشته شده بود گسترش شورش به ایالات شمال شرقی چین را بهانه ساخت و سراسر منچوری را اشغال کرد.

در کره نیز شورشی درگرفت، و روسیه به این بهانه به میدان آمد. قدرت حکومت تزاری در منچوری و کره روزافزون و مایه دردسر بزرگی برای ژاپن شد. یک نتیجه این وضع، نزدیک شدن ژاپن به بریتانیا بود. این هر دو، توسعه ارضی روسیه را

۶. عین‌السلطنه، پیشین، ص ۱۴۷۲.



عبدالرحیم طالبوف در پیری | ۱۹۸-۱۴

نمی‌خواستند. پیمان اتحاد ژاپن و بریتانیا که در ۳۰ ژانویه ۱۹۰۲ امضا شد این واقعیت را که «ژاپن، علاوه بر منافع که در چین دارد، به درجه‌ای ویژه از نظر سیاسی و نیز تجاری و صنعتی در کره هم ذیعلاقه است» شناساند. این دو کشور توافق کردند که اگر یکی شان درگیر مناصمه‌ای در شرق دور بشود دیگری بی‌طرف بماند.

جنگ روس و ژاپن دو سال پس از امضای پیمان اتحاد با بریتانیا درگرفت. نظامیان با شوق به جبهه‌ها شتافتند و بیشتر مردم هم بر این عقیده بودند که ژاپن راهی جز جنگ ندارد. در ماه آوریل ۱۹۰۲ روسیه با بیرون بردن قوایش از منچوری موافقت نموده، اما خلاف عهد نشان داده بود. ژاپن در ژانویه ۱۹۰۴ اولتیماتومی داد، و در تاریخ ۶ فوریه مذاکره و روابط سیاسی را با روسیه قطع کرد و روز ۱۰ فوریه اعلان جنگ داد.

ژاپن از این جنگ پیروز برآمد و بر پیمان پُرتسموث که با میانجیگری رئیس‌جمهور امریکا در ۵ سپتامبر ۱۹۰۵ امضا شد روسها پذیرفتند که منافع اعلامی

سیاسی، نظامی و اقتصادی ژاپن را در کره بشناسند، اجارهٔ شبه‌جزیرهٔ لیانوتونگ (از چین) را به ژاپن انتقال دهند، و راه‌آهنی را که پورت آرتور را به موکدن می‌پیوست و همچنین نیمهٔ جنوبی جزیرهٔ ساخالین را با حقوق خاص ماهیگیری به ژاپن واگذارند.^۷

نگاه اندیشمندان ایران به ژاپن

جذابیت ژاپن پیشتر ترقی و تجدد در آسیا برای طالبوف تبریزی (۱۳۲۹-۱۲۵۰هـ.ق/ ۱۹۱۱-۱۸۳۴م) و احترام او به دولتمردان سرزمین آفتاب چنان است که «از دولتمردان ژاپن گذشته، تنها از یک مرد در ایران ستایشی بسزا دارد و گویی آرزوهایش را در شخصیت او متبلور می‌بیند. آن مرد «امیرکبیر شهید» است».^۸

راز ترقی یا بهبود جامعه، نزد طالبوف، در نشر دانش و فن و حکومت قانون است. امنیت مالی و جانی، نوع‌پروری، برابری، انتشار معارف، وطن‌دوستی، ترقی صنعت، افزایش ثروت عمومی، رونق بازرگانی، جلوگیری از نفوذ و سلطهٔ اجانب و تحدید قدرت زبردستان همه از آثار حکومت قانون است. از مجموع آنها «برکات کلیهٔ ملی» پدید می‌آید.^۹ طالبوف نتیجه می‌گیرد که «هر شه‌ریار مستقل که خواهان نیکبختی مُلک و ملت است باید مردم را در ادارهٔ امور مملکت دعوت کند. در این باره ژاپن سرمشقی کامل برای ملل آسیاست. امپراتور به تربیت مردم همت گماشت، سلطنت مشروطه را برقرار ساخت، و مملکت را به کمال ترقی رساند. این کار بزرگ در اثر «نفی غرض شخصی و اثبات غرض نوعی» تحقق پذیرفت.^{۱۰} امپراتور خود گفته بود که معایب سلطنت مطلقه و ثمرات آن را فهمیدم و اصلاح آن را قبل از وقوع حادثه‌ای بد لازم دانستم.^{۱۱} برعکس، تزار روس به آن معنی پی نبرد؛ هر کس علیه استبداد سخن گفت کشته شد یا به زندان رفت. ثمره‌اش این شد که در جنگ بین آن دو کشور «علم و آزادی» ژاپن بر «جهل و ظلم سلطنت مطلقهٔ روس» پیروز گشت.^{۱۲}

طالبوف برای عبرت ایرانیان ترجمهٔ قانون اساسی ژاپن را در جلد دوم کتاب احمد (که آن را در سال ۱۳۱۲هـ.ق. نگاشت) نقل کرد.^{۱۳} دربارهٔ قانون اساسی ژاپن نوشت: حقوق مهمی را که قانون برای امپراتور شناخته است دیگر رؤسای کشورهای مشروطه «ندارند

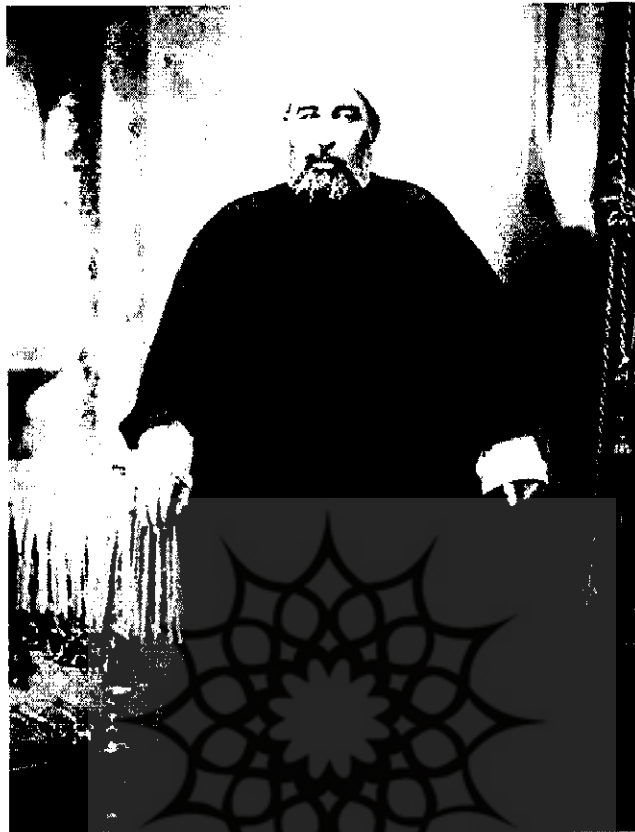
۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: هاشم رجب‌زاده. تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر. تهران، ۱۳۶۶. صص ۳۱۷ تا ۳۴۳

۸. فریدون آدمیت. اندیشه‌های طالبوف تبریزی. تهران: دماوند، ۱۳۶۳. چاپ دوم، صص ۹۳.

۹. همانجا، صص ۴۶. ۱۰. طالبوف. مسائل الحیات. صص ۱۱۷ (به نقل از مأخذ یادشده)

۱۱. همانجا، صص ۱۱۸. ۱۲. همانجا، صص ۷۲ (به نقل از مأخذ یادشده، صص ۴۸-۴۷)

۱۳. آدمیت، پیشین، صص ۵ و ۲۷



نصرالله ملک‌التکلمین در اواخر عمر | ۳۸۴-۱۱

و نباید داشته باشند.» این امتیازات اولاً نتیجه اوضاع ژاپن و خصوصیات ملی آن و ثانیاً ناشی از این است که امپراتور ژاپن به میل و دلخواه خود حقوق ملت و اصول مشروطیت را شناخت.^{۱۴}

طالبوف ملت ژاپن را در عزم و غیرت خود ستوده، چنانکه در مسائل الحیات (ص ۶۳) نوشته است: «اگر ملت ژاپن مثل اکثر ملل بی غیرت آسیا» دست روی دست می گذاشت که روسها در سواحل اقیانوس کبیر استقرار پذیرند سزای این کاهلی و سستی و کوری جز بندگی و نفی آن ملت نبود.»^{۱۵} طالبوف به «محبت طبیعی آسیایی و مشرقی»^{۱۶} بستگی عاطفی دارد؛ برای نیروی انگیزش و بالقوه جهان آسیا «قدرت مدهشه» ای تصور

۱۵. همانجا، ص ۱۹

۱۴. مسائل الحیات، ص ۱۰۲ (به نقل از مأخذ یاد شده)

۱۶. مسالک المحسنین، ص ۵۲ (به نقل از مأخذ یاد شده)

می‌نماید که چون به کارگیرند می‌توانند مغرب زمین را به زانو درآورند. اما به تحلیل خونسردانه عقلایی که می‌رسد هشدار می‌دهد که احیای آسیا منوط به این است که آسیاییان «اوطان خود را از احتیاج صنایع اروپا مستغنی بسازند و در فکر و دانش و تأسیسات سیاسی ترقی کنند»^{۱۷}

در تأکید طالبوف بر این که «از هیچ ملت جز علم و صنعت و معلومات مفیده چیزی قبول... و جز نظم مملکت چیزی استفاده نکنیم» و «مبادا تمدن مصنوعی یا وحشت واقعی آنها تو را پسند افتد» بلکه باید «در همه جا و همیشه ایرانی باشی»^{۱۸} سرمشق او دقیقاً جامعه ژاپن و شیوه این کشور در اخذ مبانی تمدن جدید است.^{۱۹}

حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (درگذشته ۱۲۹۰ق/ ۱۹۱۱م.) نویسنده سیاحتنامه ابراهیم بیگ، در مذمت سفرهای بی‌معنی ناصرالدین شاه به فرنگ و بدنامیهای آن نوشته است: قراباغی گفت: در آخرین سفر اعلیحضرت شاه به فرنگستان روزنامه‌های پاریس آشکارا نوشتند که ملت فرانسه مخارج مسافرت پی در پی این مهمان عزیز را نتواند داد، زیرا که می‌دانیم وزرای دولت ایران میل آن دارند که در هر چند گاهی به تماشای فرنگستان آمده به اجرای سیاحت پردازند و عیشی بکنند. سیاحت را باید مانند پترکیب کرد که هیجده میلیون جمعیت روس در سایه آن سیاحت حالا به یکصد و هیجده میلیون رسیده است، و از پادشاهان صاحب عزم نیز بسی هستند که ابداً سیاحت نکرده‌اند ولی از میامین بیداری و کارآگاهی خودشان ملتی را زنده کرده‌اند. مثلاً ایمپراتور ژاپون در حالی که از خانه خود قدم بیرون نگذاشته در ظرف اتدک مدتی ملت و دولتش را چندان ترقی داد که چشم بینندگان خیره شد.^{۲۰}

میرزا آقاخان کرمانی (۱۳۱۴-۱۲۷۰ه.ق. / ۱۸۹۶-۱۸۵۳م.) فرد دیگری است که برای آگاهاندن و بیدار ساختن مردم از نمونه ژاپن یاد کرده، و در نیروی تحرک و گسترش مدنیت غرب نوشته است:

آیا بازماندگان ما از عصر ما عبرت نخواهند گرفت که سیل علم از فرنگستان سرازیر شده و حتی کلبه‌های مجوسان بمبئی و بت‌پرستان ژاپن را سیراب نموده، و ترکان دشت قیچاق را متمدن ساخته، و زنگیان افریقا و هندوان را از نادانی نجات بخشوده - مع‌هذا یک قطره از آن سیلاب علم به خانه مسلمانان نرسیده است و همه در بیابان

۱۷. مسالک‌المحسنین، ص ۱-۱۵۰ (به نقل از مأخذ یاد شده) ۱۸. همان ص ۱-۱۵۰

۱۹. آدمیت، پیشین، ص ۲۶

۲۰. زین‌العابدین مراغه‌ای. سیاحتنامه ابراهیم بیگ. به کوشش باقر مؤمنی. تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۷، چاپ چهارم، ص ۱۲۶.

جهالت و نادانی حیران و سرگردان مانده‌اند.^{۲۱}

میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله نیز از کسانی بود که در سالهای نزدیک به جنبش مشروطه‌خواهی پیشنهاد اصلاحاتی را در نظام حکومت می‌کرد و کتابچه قانونی نوشت و ارائه داد. در مقاله‌ای در شماره ۱۲ سال بیستم جیل‌المتین کلکته (۹ سپتامبر ۱۹۱۲) زیر عنوان «کشف حقیقت یا توضیح و اوضحات» به این‌گونه مساعی اشاره دارد:

عقلای ملت تبادل آراء کرده بعد از مذاکره و ملاحظات دیدند که کار به اندازه‌ای خراب است که دیگر امکان صبر کردن و به انتظار نشستن که به مجرای طبیعی در سلک انتظام آید نیست، و وقت خیلی تنگ و شیرازه مملکت از هم گسیخته است. این را هم تجربه کرده بودند که در سفرهای فرنگستان که شاه از روی تفتن بدون حقیقت یا به طور حقیقت اظهار اقبال به اصلاحات می‌فرمود، بعضی از نوکران صدیق اطلاع‌خواه که از جمله یکی پرنس میرزا ملکم خان ... بود حسب‌الفرموده کتابچه‌ها در طریق اصلاحات نوشته تقدیم نمودند. لکن امین‌السلطان و دیگران نگذارند که هیچ یک را شاه بخواند تا چه خاصه که عمل فرماید... لذا درصدد برآمدند حالا که شاه به فکر اصلاح مملکت نیست ملت به خیال افتاده تا زود است کاری کرده علاجی به دردهای بی‌درمان نماید.

این مقاله حیل‌المتین به مناسبت درگذشت امپراتور میجی، بانی تجدد ژاپن نوشته شده است.

دیگران نیز به سهم خود مردم را به دنبال کردن رسم و راه ژاپن تشویق می‌کردند. چنانکه به نوشته مؤلف تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ملک‌المتکلمین در کتابی که به نام *من‌الخلق الی‌الحق* نگاشته و در هندوستان به طبع رسیده و در آن زمان شهرت بسزایی یافته بود و از طرف مأمورین سرحدی دولت ایران ضبط و از میان برده شد چنین می‌نویسد:

ملت ژاپن که هزارها سال در گمنامی و تاریکی می‌زیست و هزارها فرسنگ از کشورهای متمدن جهان دور و از دریاها و بیکران احاطه شده بود، امروز به واسطه برقراری حکومت ملی و وضع قوانین عادلانه و دخالت مردم در تقریرات کشور خود و جلب علما و متخصصین از ممالک متمدنی و اعزام نوابوگان خود به اروپا برای کسب تحصیل و دانش با سرعت معجزه‌آسایی راه ترقی و تمدن را می‌پیماید و برخلاف تصورات باطل با سربلندی در ردیف ملل متمدنی جهان جای گرفته است و

۲۱. از سه مکتوب میرزا آقاخان کرمانی، به نقل از: فریدون آدمیت. *اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*. تهران: پیام، ۱۳۵۷، جلد دوم، صص ۴۸-۴۷.

شاید به زودی انوار تابناک ستاره درخشان که چون کانونی نیرومند آتشفشانی می‌کند با حرارت و روشنائی خود ارواح پژمرده و مایوس سایر ملل را امید و نیرو بخشد و در راه عدالت و انسانیت راهنمایی نماید.

«و نیز سیدجمال‌الدین خطیب معروف آزادیخواه در خطبه‌های خود از ترقیات ژاپن سخن می‌راند و مردم را به پیروی مسلک آن کشور آسیایی تشویق می‌کرد.»^{۲۲}

توجه ایرانیان به ژاپن

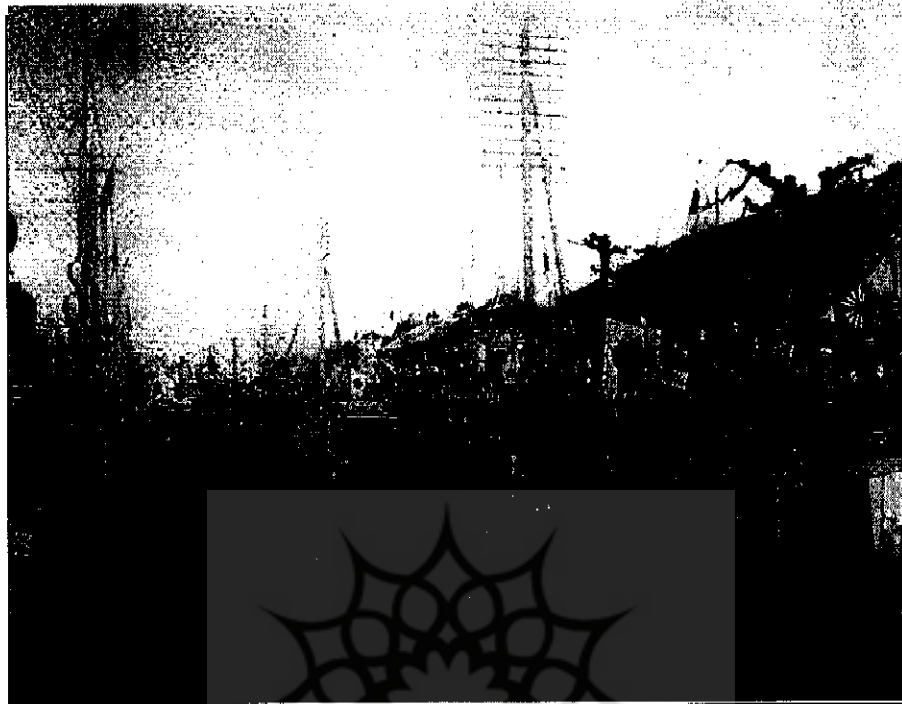
با همه پیشرفتهای چشمگیری که ژاپن پس از نهضت احیای قدرت امپراتور میجی از سال ۱۸۶۸ و آغاز تجدد داشت، باز چند دهه طول کشید تا زمامداران ایران به این گوشه خاور دور که تند در عرصه پیشرفت می‌تاخت توجه کنند. در تاریخ منتظم ناصری تألیف اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصری، در ذکر رویدادهای نیلان‌نیل / جمادی‌الاولی ۱۲۹۸ ه.ق. ذیل «دولت ژاپن» همین مختصر آمده است که «امپراتور (میکادو): موتس حیث (= موتسوهیتو)، سنش بیست و نه سال، ولیعهد: حیکاستی فوشیمی نُمیا، وزیر اعظم: سانجو، پایتخت: یدو (نام قدیم توکیو)، مذهب: بودا مذهب، جمعیت: شصت و شش کرور و صد و دو هزار نفر.»^{۲۳}

نمونه بی‌خبری رجال عصر و درباریان قاجار از احوال ژاپن این که یوشیدا ماساهارو نخستین فرستاده این دولت به دربار قاجار (سالهای ۱۲۹۷-۹۸ ه.ق. / ۱۸۸۰-۸۱ م) در شرح ملاقات با وزیر خارجه ناصرالدین شاه نوشته است که میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک در آغاز این دیدار برای پذیرایی‌ای که «در سفر اخیر قبله عالم به اروپا» در ژاپن از او شده بود، سپاسگزاری خود و مراتب خرسندی شاه را اظهار کرد، و به ظاهر نمی‌دانست که ژاپن در اروپا نیست.^{۲۴} ناصرالدین شاه هم اعتنائی بایسته به این هیئت نمود، و با اینکه پرسشهایی درباره پیشرفتهای ژاپن از آنها کرد، به فکر ایجاد رابطه با ژاپن و بهره‌گیری از تجربه این دولت به رقابت برخاسته با غرب برنیامد. در جلد اول المآثر و الآثار تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که تاریخ رسمی ایران در چهل و دو ساله اول سلطنت ناصرالدین شاه است، درباره این مأموریت، و در فهرست «کسانی که

۲۲. مهدی ملک‌زاده. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران، علمی، بی‌تا (چاپ چهارم). ص ۷۸.

۲۳. محمدحسن اعتمادالسلطنه. تاریخ منتظم ناصری. به کوشش محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳. ضمیمه جلد ۱، ص ۵۶۴.

۲۴. یوشیدا ماساهارو. سفرنامه یوشیدا ماساهارو نخستین فرستاده ژاپن به ایران دوره قاجار: ۱۲۹۷-۹۸ ه.ق. ترجمه و تحقیق هاشم رجب‌زاده. مشهد: نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳. ص ۱۶۷.



[۳-۲۸۵۵]

درین سنین اربعین به سمت رسالت موقته و ایلچیگری موعده مخصوص به دربار دولت علیه وارد گردیده‌اند» چنین آمده است که «ایلچی دولت فخریه ژاپن موسوم به یوشیدا مسعرو [ماساهارو] که به همراهی یوکویاما کوئی جی‌رو، مترجم، و فوروکاوا نیویوش [نیویوشی] سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی در ماه شوال سنه هزار و دوست و نود و هفت هجری (سپتامبر ۱۸۸۵م) وارد دارالخلافه طهران شده به شرف حضور مبارک نایل گردیدند و تقدیم‌نامه محبت‌انگیز و تبلیغ پیام مودت‌آمیز اعلیحضرت پادشاه مملکت ژاپن کرده اصغاء جواب از طرف قرین‌الشرف نمودند.»^{۲۵}

پس از پیروزی ژاپن بر روسیه در سال ۱۹۰۵، آوازه ترقی و عظمت ژاپن نوین جهانگیر شده و نام ژاپن میان آگاهان و اندیشمندان ایران نیز بر زبانها افتاده و این دولت مورد نظر مردم روشن‌بین و اهل دانش شده بود. سدیدالسلطنه در سفرنامه ایران خود، (از بندرعباس تا تهران)، ذیل تاریخ جمعه ۹ رمضان ۱۳۱۴/۱۲ فوریه ۱۸۹۷ آورده

۲۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، «المآثر والآثار» به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۱.

است: «... امروز اول مهرماه قدیم و روز جلوس امپراتور ژاپن بوده، در سنه هزار و هشتصد و شصت و هفت عیسوی برفراز اریکه جهانبانی جلوس کرده است...»^{۲۶} عین‌السلطنه قهرمان میرزا سالور شاهزاده قاجار که در روزنامه خاطرات خود گزارش فتوحات ژاپن را در جنگ با چین مرتباً آورده، ذیل تاریخ ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۲ نوشته است:

جنگ بین چین و ژاپن به شدت سخت باقی است. چین به کثرت جمعیت و ژاپن مغرور به تمدن و اسلحه و قشون خوب. هر دو مغرورند. تا حال که ژاپن همه جا قشون چین را شکست داده و اغلب می‌گویند که فتح خواهد کرد. این پادشاه ژاپن از پادشاهان معروف دنیا خواهد بود. در مدت ده پانزده سال طوری مملکت خود را آباد و تربیت کرده که مزیدی بر آن متصور نیست. تفصیل ژاپن زیاد است. اسباب حیرت و تعجب مردمان این عهد است. چندی دیگر به این رویه بماند از ممالک فرنگ صد درجه بهتر خواهد شد. چیزی نگذشته خود را به پایه آنها رسانیده. در روزنامه اطلاع نوشته بود، نمره ۶۵۶، که این دولت مشرق زمینی هفتصد و شصت نوع روزنامه مختلف دارد که از آنها من حیث مجموع چهارصد کرور نسخه به طبع می‌رسد. عدد تصنیفات و تألیفات کتب مختلفه بیست و دو هزار است. الآن در کشتی‌سازی طوری استاد شده‌اند که ابداً محتاج به کشتی انگلیسی و غیره نیستند. توپ و تفنگ و سایر اسلحه از هر قسم خودشان می‌سازند. ترقی علوم آنها از فرنگستان گذشته است. تمام را همین پادشاه حالیه ترتیب داد. اسم پادشاه «موتسوهیتو» و اسم ملکه «هریکو» است. پادشاه را میکادو خطاب می‌کنند. ... القاب تازه که داده شده یکی مقبل‌السلطنه، دیگری وثوق‌الدوله، صدق‌الملک، سنن‌الدوله، بحمدالله تمدن ما در این قلیل مدت از ژاپن گذشته. چیزی که بلد هستیم لقب و منصب دادن است.»^{۲۷}

او در دنباله شرح خود از راه تحسین می‌افزاید که «انگلیس مشرق زمین، ژاپن است.»^{۲۸}

نویسنده این روزنامه که برادرزاده شاه قاجار است، درخ خود را در مقایسه احوال ایران با ژاپن با این عبارت بیان می‌کند: «پنج‌شنبه ۶ رجب ۱۳۱۲: این دولت ایران در چهل و پنج سال (سلطنت ناصرالدین شاه) که در حالت امن و امان بود می‌توانست صد

۲۶. محمدعلی خان سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی. سفرنامه سدیدالسلطنه (التوفیق فی سیرالطریق). به کوشش امید اقتداری. تهران: بهنشر، ۱۳۶۲.

۲۷. عین‌السلطنه، پیشین، صص ۳۶-۶۳۷.

۲۸. همانجا، ص ۶۳۸.



[۲۸۰۵-۳]

چندان ترقی کند. افسوس که پادشاهی چون موسوهیتو امپراطور ژاپون نداشتند» و می‌افزاید:

نتیجه و آمال تربیت این است که دولت چین با هشتصد کرور، بل متجاوز، جمعیت، جلوگیری از قلیل قشون دولت ژاپون نتوانست کرد. با آن که جمعیت تمام ژاپون هفتاد کرور است، این طور شکست داد و فتوحات نمایان کرد. برآ و بحرأ در هر نقطه شکست فاحش داد و اسباب حیرت و تعجب سایر دول شد.^{۲۹}

رویدادهای بعدی، و مهم‌تر از همه جنگ ژاپن با روسیه، انظار و افکار را هر چه بیشتر به سوی کشور آفتاب گرداند. در همان روزنامه خاطرات در شرح سفر نویسنده به سمرقند می‌خوانیم:

پنج‌شنبه چهارم (جمادی‌الثانی ۱۳۲۴): حاجی باقر تاجر ایرانی در سمرقند می‌گفت شروع به جنگ با ژاپون اینجا مجلس کردند و حاکم گفت دولت ژاپون که پست‌ترین

دولتهاست نسبت به امپراطور ما سوء ادبی کرده، امپراطور می‌خواهد او را دست به گردن خود برده مثل کیکی گرفته (دست را فشار داده به دور انداخت) این طور خورد و له کند. چند روز بعد مجلس کردند که در بحر و کشتی، حریف نمی‌شویم، در خشکی معلوم آنها می‌شود. بعد از شکستهای پیایی در خشکی ما را به مسجد احضار کردند که دعا کنید سپاه روس فتح کند. از آن که گذشت پاک ساکت شده آسوده شدیم. این جنگ بزرگ که تاریخ نشان نداده شب هفتم فوریه سال ۱۹۰۴ میلادی شروع شده و به اصرار و میانجیگری دولت امریکا، ژاپون راضی به اصلاح شد، پنجم ماه سپتامبر ۱۹۰۵ در شهر پُرت اسموس امریکا صلح واقع شد و در تمام این مدت طولانی یک مرتبه روس فتح نکرد... در داخله روس هم، از اواسط شکستها اغتشاش و شورش به هم زده روزبه روز شدت کرد تا یومنا هذا باقی است. مشروطه و جمهوری طلب شده‌اند. شب باغ حاجی خنک بود، اما باز گرم است.^{۲۰}

نوشته‌های حبل‌المتین

در روزنامه‌های فارسی، انعکاس اخبار پیشرفتهای ژاپن در جنگ با روس و نیز ترقی و تجدد ژاپن در حبل‌المتین چشمگیرتر بود. به نوشته مؤلف حیات یحیی:

در دوره سلطنت ناصر... روزنامه فارسی که از خارج بیاید منحصر بوده است به اختر که در اسلامبول طبع می‌شده. روزنامه مزبور در آخرین توقیفش از طرف دولت عثمانی که با انقلابات ایران توأم بود، دیگر اجازه طبع و نشر نیافته در محاق ابدی فرو می‌رود. بعد از آن در کلکته روزنامه‌ای به نام حبل‌المتین به مدیری سیدجلال‌الدین کاشانی دایر می‌گردد و روزبه روز در ایران خوانندگانش زیاد می‌شوند. حبل‌المتین با آنکه در اول تأسیس خط و طبعش چندان پسندیده نیست مندرجاتش اهمیت شایان دارد و دارای مسلک ثابت و معتدلی است.^{۲۱}

در تاریخ مشروطه ایران هم می‌خوانیم:

روزنامه حبل‌المتین کلکته که بزرگ‌ترین نامه ملی فارسی زبان بود ورودش به ایران ممنوع گشته بود، ولی به طور قاچاق و خفیه به مجامع ملی می‌رسید، و روزنامه حکمت که به مدیریت زعیم‌الدوله در مصر طبع می‌شد و مجلات و روزنامه‌های آزادیخواه مصر که برای عده‌ای از ایرانیان مترقی و آشنای به زبان عربی می‌رسید، در اطراف ترقیات ژاپن به تفصیل قلمفرسایی می‌کردند و ملل مشرق را به پیروی از

۲۰. همانجا، ص ۱۷۱۱

۲۱. یحیی دولت‌آبادی. تاریخ معاصر حیات یحیی. تهران؛ فردوسی، ۱۳۶۱ (چاپ دوم). صص ۱۹۹-۲۰۰.

اصول ... مشروطیت ... توصیه می نمودند و از برنامه‌ای که دولت موقری ژاپن برای وصول به مدارج عالیة تمدن تعقیب می کرد صحبت می داشتند.^{۳۲}

جل‌المین کلکته به احوال ژاپن توجه نمایان داشت، و این علاقه در سالهای جنگ ژاپن با روس که چشمها را در چهارگوشه عالم به ژاپن خیره ساخته و برآمدن این کشور تا چندی گمنام آسیایی تحسین جهانیان را برانگیخته بود، روز به روز افزایش می یافت. این روزنامه در سراسر مدت جنگ ژاپن با روس رویدادهای آن را دنبال می کرد و در هر شماره تفسیر خاص و گزارشهای گونه‌گون درباره آن داشت. صفحه‌ای از روزنامه را هم در سال دوازدهم (۱۹۰۴م)، در هر شماره، به یک دوره بررسی و گزارش زیر عنوان «تاریخ حرب ژاپون» به شرح سازمان و نظام و آموزش و اداره دستگاه لشکری ژاپن و آمار و ارقام آن اختصاص داد.

ژاپن، الگوی مناسب برای ایران

جل‌المین ژاپن را نمونه‌ای می داند که ایران باید برای پیشرفت و در راه سعادت ملی آن را دنبال کند چنانکه در مقاله تفسیر مانند خود در شماره ۲۷ سال دوازدهم (۴ صفر ۱۳۲۳/ ۱۰ آوریل ۱۹۰۵) از عین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه می خواهد که از تدابیر و سیاست ژاپن الگو بگیرد و به اصلاح وضع برآید:

نفوس ایران به همت والا مشخص، در وضع اخذ مالیات تعدیلات کافی به عمل آمده، دستگاه حرب انتظام یافته و به قانون اروپا جمیع ملت داخل سلک جلیل عسکری شده، دوایر از یکدیگر مجزی و تیولها لغو، خرابیها آباد، جهال عالم، بی‌خیران از حال عالم باخبر، رسم مساوات مجری گردد...

این رهنمود در حقیقت نسخه داروهای ژاپن است که جل‌المین برای درمان دردهای ایران می دهد. تدابیر نخستین که برای استقرار نظم نوین در ژاپن پس از نهضت میجی، از آغاز سال ۱۸۶۸، اتخاذ و اجرا شد، چنین بود:

- ایجاد شوراهاى حکومتی؛
- دعوت از نمایندگان ولایات برای تشکیل مجلس مشورتی در پایتخت؛
- اعطای حقوق و آزادیهای اساسی به مردم؛
- تدوین قانون اساسی و قوانین اداری، و ایجاد سازمان نوین برای حکومت؛
- الغای امتیاز دستگاه «سامورایی»، و ایجاد نظام اجباری؛

۳۲. مهدی ملکزاده، پیشین، ص ۷۸.

- تحکیم قدرت حکومت مرکزی؛
- از میان برداشته شدن خانخانی و الغای تیول، و ایجاد استانها؛
- لغو امتیازهای طبقاتی؛
- سرشماری جمعیت؛
- اصلاحات ارضی، مالیاتی و اداری.^{۳۳}

وصف فضیلت‌های ژاپونیان

گزارشها و تفسیرهای روزنامه جبل‌المتین در ماههای جنگ روس و ژاپن و مقارن بالا گرفتن تب مشروطه‌خواهی در ایران، یکسره در ستایش از ژاپن و منش و سیاست این دولت و فضیلت‌های امپراتور، سران و سرداران و مردم آن است. جبل‌المتین ژاپنیان را به فروتنی، متانت و خویشنداری، فداکاری، اتحاد و اتفاق، امانت و درستکاری، وطن‌دوستی و داشتن حس قومیت و برادری و نوعیت، ملایمت، ادب و نظر صائب می‌ستاید، و این فضیلت‌ها را نقطه مقابل عادات و اطوار سران روس می‌بیند. در گرماگرم پیشرویهای ژاپن در جنگ هشدار می‌دهد که روسها تصور نکنند که می‌توانند لشکر ژاپن را نیز به آسانی مغولان از خاک برانند، چرا که «ژاپونیان [را] که لذت وطن‌دوستی و قومیت و مزه برادری و نوعیت را چشیده، و شهد اتفاق و اتحاد و شیرینی ملک‌گیری و کشورستانی و ترقی دولت و ملت [را] در گلویشان چشیده، نمی‌توان قیاس بر مغولان جاهل و تاتاریان غافل و حشی غیرمتمدن نمودن»، (ش. ۱۱ س. دوازدهم، ۱۴ نوامبر ۱۹۰۴) و «از اول جنگ در میان ملت ژاپون یک کلمه سخن نفاق شنیده نشد...» (ش. ۳۲، دوازدهم، ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۵) حال آنکه «اقتدارات پارینه یک مرتبه اخلاق ملت روسیه را تغییر و تبدیل داده و از نتایج اخلاق ذمیمه خود این چنین روزی را دیده و می‌بینند.» (ش ۴۲، س دوازدهم، ۲۷ فوریه ۱۹۰۵) ایرانیان را هم هنگامی سزاوار تمجید و تحسین می‌داند که «مانند ملت ژاپون همت و کوشش نموده به تهذیب اخلاق خود دسترس شدیم.» (ش ۲، س سیزدهم، ۴ سپتامبر ۱۹۰۵)

جبل‌المتین سران لشکری ژاپن مانند اویاما، نوکی و اوکو و بیش از همه میکادو (امپراتور) را بارها ستوده و نوشته است که «دائماً نام نیکشان باقی می‌ماند... و هر کس نام این ملت را با احترام یاد خواهد کرد... با وجود آن قد کوتاه و چشم خورد و رنگ زرد و صورت بد، امروز محبوب‌القلوب دوست و دشمن شده... این است سعادت دنیا و

۳۳. برای اطلاع بیشتر در مورد این تدابیر و نحوه اجرای آن‌را، هاشم رجب‌زاده، تاریخ ژاپن، پیشین، صص ۲۱۷ تا ۲۵۱.



[۳-۲۸۱۸]

نتیجه امانت و درستکاری.» (ش ۴۵، س دوازدهم، ۱۴ اوت ۱۹۰۵)
به دنبال پیروزی نهایی ژاپن در جنگ، در مقاله‌ای پس از شرح احوال و یاد کردن فضیلت‌های شماری از سران و سرداران ژاپن، نتیجه گرفته است: «این اخلاق پسندیده و خوی گزیده است که امروز ملت ژاپون را مغبوط عالم مدنیت ساخته و به درجه‌ای ارتقاء داده که دشمن هم در توصیف او بی‌اختیار است.» (ش ۵، س سیزدهم، ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵). نیز، در سرمقاله‌ای درباره اهمیت پادشاه در زندگی و سرنوشت ملل شرق (ش ۴، س سیزدهم، ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۵) میکادو امپراتور ژاپن را نمونه رهبران «با همت و بصیرت» شمرده است:

آنچه امروزه ارباب خیرت و بصیرت و خداوندان فهم و سیاست مدار علیه ترقی و تنزل اقوام شرقیه و ممالک شرق زمین می‌دانند، همانا پادشاهان و امرا هستند... به جهت صحت و تصدیق این مطلب تنها ملاحظه حال مملکت ژاپن و چین کافی است: چه، این دو مملکت مجاور یکدیگرند و اهالی نیز از یک نژاد و در عقیده و مذهب هم متحد و موافق - لکن چین از حیث اراضی وسیع‌تر و غنی‌تر و آبادتر و جمعیت آن چندین برابر ژاپون - و از عهد بسیار قدیم صنایع و بضایعش معروف

بوده - مع هذا چه شد که ژاپون مقدم شد و چین مؤخر. گویا محتاج به تشریح و توضیح نباشد که علت آن میکادو و سبب، این خاقان است.

در تفسیری در شماره ششم سال سیزدهم، «ریخته یکی از وزرای با دانش ایران»، از قول ژنرال «کولم» امریکایی که به عنوان رایزن مالی و اقتصادی به ژاپون رفته بوده نوشته است که در بدو ورود او و دیگر کارشناسان اروپایی، امپراتور به آنان گفت: «من شما را از ممالک بعیده برای آن خواسته‌ام که امور کشور و لشکر این مملکت را اصلاح کنید و به وزرا و فرزندان وطن من دانش آموزید تا به یمن قدم شما این کشور آباد گردد...» و افزوده است که وزرا و امرای دولت همه در این اندیشه بودند که از اروپاییان کسب هنر و دانش کنند، و بیشتر از هر ملتی خواهان ترقی کشور خویش‌اند، و از او نقل کرده است که: «من در وزراء ژاپون چند چیز مشاهده نمودم که سبب این ترقی فوق‌العاده ژاپون را در سایه همان صفات پسندیده و برگزیده می‌دانم:

نخست - در هیئت وزرا غرض شخصی مفقود و خیال تمامی مصروف ترقی ملت بود...!

دوم - میل مفراطی که به فهمیدن حقایق امور داشتند...!

سوم - همدستی و اتفاق و همراهی هیئت وزرا که مثلش به تصور نمی‌آید؛ هیچ کاری را بدون مشورت با یکدیگر اجرا نمی‌دارند...!

چهارم - نشنیدن از پست‌ترین وزرا و وکلای کسی رشوت گرفته خورده باشد؛

پنجم - هوش و استعداد غریبی در آنان مشاهده نمودم که به جزئی دستورالعمل همه چیز را به خوبی فرا می‌گیرند ...

نوشداروی مشروطه

حبل‌المیتین مشروطه را سرمایه ترقی و رمز تعالی می‌داند، حتی برای مردم روسیه. در تفسیر سیاسی شماره ۲۲ سال دوازدهم (۲۲ ذیحجه ۱۳۲۲ / ۲۷ فوریه ۱۹۰۵) می‌نویسد: «اهالی (روسیه) از ظلم و ستم حکام مستبد به ستوه آمده‌اند و تا وقتی که سلطنت را مشروطه یا جمهوری قرار ندهند از پای نخواهند نشست.»

هرچه پایان جنگ روس و ژاپن نزدیک‌تر می‌آید، اشاره‌های حبل‌المیتین به لزوم برچیدن دستگاه حکومت خودکامه در ایران صریح‌تر می‌شود. در شماره ۲۷ سال دوازدهم (۴ صفر ۱۳۲۳ / ۱۰ آوریل ۱۹۰۵) در تفسیر سیاسی دراز دامنی پس از برشمردن اهتمام زمامداران ژاپن در راه اعتلای کشورشان می‌افزاید: «بی‌اعتدالی و استبداد عمرش به آخر رسیده؛ اگر دولت چین است که در آخرین نقطه آسیا واقع شده

بالتبع او را به ترک استبداد و اجرای عدل مجبور می‌نمایند، و اگر دولت با سطوت روس است باز ملت درصدد مطالبه این حق برمی‌آید.»

در شماره ۴۵ سال دوازدهم (۱۲ جمادی‌الثانی / ۱۴ اوت ۱۹۰۵) جیل‌المتین، در تفسیری بر پیروزی شگفت‌انگیز ژاپن در نبرد دریایی تسو شیمای، می‌خوانیم: «به هیچ عقل نمی‌گنجید که با آن عزت و صولت که دشمن دو برابر بود، در هشت ساعت پریشان و در بیست و چهار ساعت نیست و نابود شوند و خود (ژاپنها) در حفظ و حراست علم و عدل سالم و محفوظ باشند. چه چیز تصور توان کرد مگر مدد غیبی. این مدد را که رساند و کرد، غیر از ثمره عدالت و اطاعت به امر آفریدگار و دانستن حقوق بشریت و مساوات کردن و اجتناب از حرام و دروغ و ظلم و تعدی.» سرمقاله همین شماره توصیه می‌کند که «امروز صلاح دولت روس در صلح است. به هر نحوی که می‌تواند این جنگ را به ختام رساند. بعد از فراغت، مملکتداری ژاپون را سرمشق خود سازد؛ عدالت را به آن درجه رساند تا ترقی او بدان درجه رسد.»

سه هفته بعد (در ش ۲، س سیزدهم، ۴ رجب ۱۳۲۳ / ۴ سپتامبر ۱۹۰۵) مزده می‌دهد: «ملت روسیه از زمان الکساندر دوم در خیال مشروطه نمودن دولت بودند. از حکومت مستبده بیزار شدند، ولی از ترس حکومت قدرت قدم برداشتن و جسارت نفس کشیدن نداشتند؛ نیکو استفاده از این جنگ حاصل نمودند؛ در هر ولایت بلوا و شورش در سر همین مسئله است که دولت مشروطه شود.»

در همان شماره، جیل‌المتین توصیه می‌کند که ایران با ژاپن پیشرفته و پیروز رابطه نزدیک‌تر، حتی به صورت اتحاد و اتفاق، ایجاد کند تا شاید به این وسیله سیاست تهدید و ارعاب دو قدرت رقیب همسایه را خنثی سازد: «از غرایب امور این است که امروزه دولت روس خود اظهار احتیاج کرده خیال دارد بعد از این جنگ از دولت ژاپون استفاده نماید... در روزنامه‌ها خواندیم اعلیحضرت امپراتور (روسیه) به وزیرمختار صلح اختیار داده که ژاپن را به هر قسم باشد راضی کند که بعد از صلح با روس اتفاق کامل نماید. پس در صورتی که از این خوان نعمت دوست و دشمن بهره دارند، چرا دولتی که همسایه روس است فائده نگیرد. سخن را معما نگویم؛ پرده برداشته بیان کنم که امروز از ملت و دولت ایران مستحق‌تری نیست که استفاده از ژاپون حاصل نماید...» این استفاده، تحقق دادن به اتحاد آسیایی و دنبال کردن شیوه حکومت عدل و مشروطه ژاپن است.

چند هفته پس از آن، و به دنبال پیروزی نهایی ژاپن در جنگ، جیل‌المتین در مقاله‌ای با آوردن شرح احوال و فضیلت‌های شماری از رهبران ژاپن نتیجه می‌گیرد که «قومی که دارای تهذیب اخلاق باشد همین که قدم به طریق ترقی نهادند مانند برق لامع پیش می‌روند، و تهذیب اخلاق نصیب هیچ قوم نجیبی نتواند شد مگر قانون مساوات که

سرمایه هرگونه اتحاد ملی است در میان آنان رعایت و برقرار آید، و هیچ دولت نمی‌تواند نعمت مساوات را به تبعه و زیردستان خود عطا نماید مگر با رفع استبداد، و ریشه استبداد قطع نمی‌شود الا در سایه کنکاش عمومی.» (ش ۵، س سیزدهم، ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۵)^{۳۴}

سرانجام، جل‌المین در مقاله‌ای پس از درگذشت امپراتور میچی و در تجلیل او (ش ۸، س بیستم، ۲۱ شعبان ۱۳۳۰ / ۵ اوت ۱۹۱۲) چنین نتیجه می‌گیرد: «درحقیقت امپراتور ژاپون از شکست روس اساس مشروطیت را در شرق منتشر ساخت، و اول دولتی که بعد از ژاپون پا به دایره مشروطیت نهاد ایران بود.»

باره‌ای نظری انتقادی

در برابر همه تحسین‌ها از ژاپن و امید بستن به این دولت، به خصوص پس از شکست دادن روسیه تزاری، به نظری انتقادی هم از سوی مطبوعات ایران و شماری از نویسندگان و روشنفکران برمی‌خوریم. نمونه آن، مقاله درج شده در شماره ۴۹ (۶ اوت ۱۹۰۷) ندای وطن است که زیر عنوان «(تفسیر) سیاسی» می‌نویسد: «البته همه می‌دانند که نزاع دولت روس با ژاپون برای تصرف مملکت وسیعه کره بود... کره را ژاپون به اسم استقلال حمایت کرد و راضی نشد سلطنت کره به هم بخورد، و بعد از آنکه کاملاً او را از چنگال دولت روس مستخلص نمود، خودش به خیال بلعیدن او افتاد: چو دیدم، عاقبت گرگم تو بودی... در شریعت مملکت‌گیری، اروپایی و آسیایی فرقی ندارند. دولت ژاپون که رب النوع رحم و مروت و مجسمه انسانیت و فتوت می‌شمردند، و روزنامه مقدس جل‌المین ما را به توسل به آن دریای کرامت نصیحت می‌نمود، عاقبت حمایتش این شد که شنیدید و فتوتش همان که دیدید: گر تو نمی‌پسندی، تغییر ده قضا را.»

مهدیقلی هدایت نیز با اشاره به رفتار ژاپن در چین در نیمه اول سده بیستم نوشته است: «ژاپن که می‌توانست دست برادری به چین بدهد و امروز شاهین ترازوی صلح

۳۴. این تحلیل جل‌المین که تهذیب اخلاق ملی را در یک رشته علت‌یابی سرانجام به ترتیب به مساوات یا عدل و رفع استبداد و در نهایت به استوار شدن حکومت مبتنی بر شورا یا کنکاش عمومی ربط داده، همانند پیوندی است که اندیشمندان ایرانی در سده‌های میانه، مردانی مانند نظام‌الملک و رشیدالدین فضل‌الله، میان عدل و بقای حکومت شناخته و با این توجیه فرمانروایان خودکامه را به رعایت انصاف و رعیت‌پروری خوانده‌اند. رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۳۸ تا ۷۱۸ ه.ق) مورخ، دانشمند و وزیر سه پادشاه ایلخانی در یکی از نوشته‌های خود در تأکید بر ملازمه رعیت‌داری با عدل، این معنی را به صورت دایره‌ای نشان داده و گفته است: «پادشاهی حاصل نمی‌شود مگر با لشکر، و لشکر را به مال توان جمع آورد، و مال از رعیت حاصل شود و رعیت را نیز به عدل می‌توان نگاه داشت.» (سوانح‌الافکار رشیدی. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۵۸. مکتوب ش ۲۳، ص ۱۱۳.)

باشد، خطا رفت و جفا کرد. سه سال خودآرایی نمود و در لحظه‌ای از هم پاشید.»^{۳۵}

شایعه اسلام آوردن امپراتور ژاپن

در گرماگرم بازار مشروطه‌خواهی در ایران و توجه میهن‌دوستان و تجددخواهان به ژاپن در اقصای شرق که با پیروز شدن بر چین نام و آوازه‌ای یافته و سپس با شکست دادن دولت روس خود را قهرمان ملل آسیا ساخته و نور امیدی در دل مردم بلا دیده و ستم کشیده از استعمار روس و انگلیس پدید آورده بود، زمزمه مسلمان شدن امپراتور ژاپن سر زبانها افتاد.

روزنامه‌ندای وطن در شماره ۳۸ خود به تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ هـ ق) اسلام آوردن امپراتور ژاپن را مژده داد و در گزارشی با عنوان «عالم اسلامیت را بشارت!» نوشت:

رفقا می‌گفتند در روزنامه ملوک و ملت که به زبان انگلیسی در کلکته در اداره حبل‌المتین به طبع می‌رسد نوشته شده که اعلیحضرت میکادو بعد از آنکه مدت‌ها در مقام تحقیق و تفتیش از مذاهب متداوله عالم برآمد و علمای هر مذهب را حاضر نموده، اصول و فروع هر مذهبی را مطرح مذاقه قرار دادند و دین مقدس اسلام را اجمع و انفع از تمام ادیان شناختند، یک مرتبه شخص پادشاه با هیأت وزرا در بیست و ششم ماه گذشته که تقریباً یک ماه پیش باشد رسماً آئین پاک و دین مقدس اسلام را پذیرفتند و به شرف قبول اسلامیت مشرف شدند، و معلوم است اگر این خبر مقرون به صدق و صواب باشد یک مرتبه ضعف اسلام و مسلمین مبدل به قوت خواهد شد و آثار گفته حکیم دانشمند ملا عبدالرحیم طالب‌آف که در مسائل الحیات خیر داده که همین قسم [که] اروپایی غالب و آسیایی مغلوب و مسیحی فاتح و مسلمان منکوب است بیاید روزی که اسلام غالب و سایر ادیان مغلوب شوند، ظاهر و مقدماتش فراهم شده و سلسله مسلمین با اتحاد مذهبی و آسیایی، با توافق مشرب، شرق و غرب عالم را فراگیرند...^{۳۶}

۳۵. مهدیقلی هدایت مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۲۹، ص ۱۱۳ و چهار.

۳۶. در معرفی روزنامه ندای وطن، ادوارد براون نوشته است:

«روزنامه هفتگی، بعدها دوهفتگی و بالاخره ماهانه، چاپ تهران، در سال ۱۳۲۴ هجری قمری مطابق ۱۹۰۶-۷ میلادی به مدیریت مجدالاسلام کرمانی مدیر روزنامه‌های کشتکول و محاکمات... راینو... اولین انتشار آنرا یازدهم ذوالقعدة سال ۱۳۲۴ قمری بیان می‌کند که مطابق است با بیست و هفتم دسامبر ۱۹۰۶... (ادوارد براون و محمدعلی تربیت، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه رضا صالح‌زاده، تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۱۴۳). درباره شیوه این روزنامه نگاه کنید به: محمدمحیط طباطبائی، تاریخ

میکادونامه

نمونه آثار نظم و نثر فارسی که منحصرأ به شرح و وصف جنگ روس و ژاپن و نتیجه‌گیری از آن پرداخته کتاب شعری است به نام میکادونامه سروده آقا میرزا حسین علی تاجر شیرازی. این کتاب را او در سال ۱۳۲۳ قمری (۶-۱۹۰۵ م.) در خراسان ساخت، و به سال ۱۳۲۵ هـ به وسیله روزنامه جبل‌المتین در کلکته چاپ شد. سراینده در پایان منظومه خود و اثرش را چنین شناسانده است: «کمترین، میرزا حسین علی خلف مرحمت شأن آقا عبدالحسین تاجر شیرازی مدتی سرمایه زندگانی که عمر عزیز است در مسافرت به اکناف ایران الی حدود هندوستان صرف سیاحت نموده... در این موقع حسب‌الخواهش یکی از دوستان، به اسم میکادونامه، این دو هزار و اند بیت را که در حقیقت اشعار بر جنگ و وضع دول همسایه هست جهت تنبیه ابناء ملت به نظم آورده، امید است که مقبول ارباب اطلاع افتد (۱۳۲۳). میکادونامه که به شیوه شاهنامه ساخته شده است، ادبار کار روس را نتیجه استبداد می‌داند و پیروزی ژاپن را از عدل و مشروطه، و در تحسین انگلیس هم ابیاتی دارد، مانند:

چو مشروطه شد پایه سلطنت	فـزونی دهد مایه سلطنت
ز مشروطه‌گی (کذا) گشت ژاپن بزرگ	که شد چیره بر همچو خصمی سترگ
ز مشروطه‌گی دولت انگلیس	به هر نقطه خاک باشد جلیس
در بیان ترقی ژاپن می‌گوید:	
شسیندم که میکادوی نامدار	چو بسرام‌پراتوری آمد قرار
نخست از پی حکمت و آبرو	به اصلاح ملت بکوشید او
که وحشیت (کذا) از ملک او گم شود	رعیت پی علم و صنعت رود
چو اهل اروپا تجارت کنند	خرابی خود را عمارت کنند
درآیند در زی مردان کار	به دولت سپارند مرروزگار
بگفتا نه ما زاده آدمیم؟	چرا از فرنگان به ثروت کمیم
کنون خسلق را وقت بیداری است	چه مستی است این وقت هشیاری است

میکادونامه در مرور جریان جنگ یک سال و نیمه روس و ژاپن، ستایش فراوان از منانت و تواضع ژاپن در برابر غرور روسیه دارد، و در سخن از نبرد سرنوشت‌ساز موکدن می‌گوید: «بیا می به اقبال ژاپون خوریم»، «که نور تمدن ز مشرق دمید» و «دوباره به چرخ آمد این آسیا»؛ و ایرانیان را هشدار می‌دهد که:

→ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران؛ بعثت، ۱۳۶۶، ص ۱۳۰، و احمد کسروی، تاریخ مشروطه، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۴۴، ص ۱: ۲۷۴.

چو ژاپون شد پیش آهنگ ما بود نوبت هوش و فرهنگ ما (ص ۵۶)
 نتیجه نخوت بیجای امپراتور روس و بیخودی او ناکامیهای پیاپی در میدان جنگ بود،
 و تزار چنان شکستی دید که «به آخر شدش کار چون نام زار» (ص ۸۱)؛ و،
 عجب نیست گر روس اینان شکست که دل‌های بیچارگان را بخت (ص ۹۳)
 کار بر روسیه سخت شد، و در داخل کشور نیز «به هر سو یکی شعله بالا گرفت»، تا
 که رئیس‌جمهور امریکا پای در میان نهاد و:
 دو ان از دواخانه انگلیس طلب کرد داروی صلحی به پیش (ص ۱۰۰)
 میکادونامه در پایان کتاب باز خواننده ایرانی را یادآور می‌شود که:
 نه ما کم ز ژاپون و آن مردمیم چرا در ترازوی عزت کمیم؟

بازتاب جنگ روس و ژاپن در ایران

درباره اثر جنگ ترانسوال و جنگ ژاپن با روسیه در ایران، کسروی نوشته است:
 چنین رخ داد که در آن زمان نخست جنگ ترانسوال و انگلیس برخاست، و سپس
 جنگ ژاپون پیش آمد. تا چند سال این جنگ‌ها در میان بود و روزنامه‌ها داستانهای
 آنها را می‌نوشتند، و بیدارشدگان با خشنودی و دلخوشی آنها را می‌خواندند و
 سخت می‌سپیدند. این داستانها در ایران، کار بسیار کرده. دلیریهای یک مشت
 ترانسوالی، و ایستادگی مردانه آنان در برابر دولت بزرگی همچون انگلیس، و
 شکستهای پی‌درپی که چند بار به سپاه این دولت دادند، و همچنین لشکرهای آماده
 ژاپون، و کاردانیهای سرداران ایشان، و فیروزیهای پیاپی که می‌یافتند، ایرانیان را
 تکان سختی می‌داد. ژاپون که تا چندی پیش گمنام بوده و در سایه مشروطه و تکان
 توده به این جایگاه رسیده بود، درس بزرگی به ایرانیان می‌آموخت ... بسیاری از
 نویسندگان گزافه‌نویسیهایی از میهن‌دوستی ژاپونیان، و از نیکخویی، و از خردمندی
 آنان می‌نوشتند.^{۳۷}

جنگ روس و ژاپن از دو جهت برای ایران اهمیت داشت: یکی اثری که در وضع
 روس، که در رقابت با انگلیس در پی توسعه نفوذ خود در ایران بود، نهاد؛ و دیگر تحولی
 که در اندیشه ایرانیان پدید آورد. سه رویداد مهم که در نخستین سالهای سده بیستم در
 ایران و جهان پیش آمد، و دنباله تحولات گذشته بود، یعنی شکست روسیه از ژاپن،
 انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۰۵م.) و اعطای مشروطیت در ایران (۱۳۲۴ / ۱۹۰۶م.) توالی

۳۷. کسروی. تاریخ مشروطه ایران. همان، ص ۱: ۶۳.

و ارتباطی منطقی داشت.

پیش از این سالها هم، مشروطیت ژاپن که در پی پیشرفتهای علمی و فنی و اجتماعی سریع و چشمگیر این کشور در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ اعطا شده بود، ایرانیان را به تحولی سیاسی و اجتماعی امیدوار ساخت. اثر این تغییر شیوه حکومت در ژاپن پیشرو چنان بود که حتی مظفّرالدین شاه را به فکر انداخت. مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) در یادداشتهای خود نوشته است: «مظفّرالدین شاه مزاجاً دموکرات بود. روزی مرا به فرح‌آباد خواست. رفتم. در ایوان راه می‌رفت. جز سید بحرینی کسی نبود. نوبتی به من نزدیک شدند. آهسته سؤال فرمودند ژاپن مجلس دارد. عرض کردم هشت سال است.»^{۳۸}

پیروزی ژاپن در جنگ با روس بیگمان اثر مهم و اهمیت خاص برای ایران داشت. مؤلف تاریخ انقلاب مشروطیت ایران نوشته است:

زندگانی و مرگ ایران بستگی کامل به نتیجه این جنگ داشت، زیرا هرگاه روسها فاتح می‌شدند، با غرور جهانگیری که داشتند، آرزویی که سالها برای رسیدن به خلیج فارس در دل می‌پروراندند عملی می‌گردید و دیگر نامی در تاریخ از ایران باقی نمی‌ماند، و هرگاه شکست می‌خوردند طبعاً تزلزلی در ارکان آن دولت بزرگ وارد می‌شد و آزادیخواهان روسیه که یک قرن تمام با فداکاری و از خودگذشتگی با دولت ستمگر استبدادی در کشمکش و ستیز بودند تشجیع شده دامنه انقلابات داخلی را توسعه می‌دادند و آن دولت را به خود مشغول می‌کردند و انقلابات داخلی آن کشور مانع اجرای نیات استیلاجویانه‌اش می‌شد.^{۳۹}

احوال و محیطی هم که جنگ روس و ژاپن در جهان پدید می‌آورد، در پیدا آمدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران مؤثر بود. بد رفتاری بیجای عین‌الدوله حاکم مغرور تهران و چوب زدن شماری از تجار محترم قندفروش و از آن میان، سیدهاشم قندی به بهانه کمی و گرانی قند، از مایه‌های عمده بالا گرفتن هیجان و ناآرامی عمومی و پای فشردن مخالفان دولت برای صدور فرمان مشروطیت بود. تجار واردکننده قند استدلال می‌کردند که در نتیجه جنگ روس و ژاپن قند کمتر از گذشته وارد ایران می‌شود و به همین علت بسیار کمیاب شده و قیمت آن در سراسر ایران بالا رفته است.^{۴۰}

اثر پیروزی ژاپن بر اندیشه ایرانیان، از اندیشمندان و آگاهان به محیط و مسائل سیاسی گرفته تا مردم عامی و عادی، در پیش آمدن جنبش مشروطه‌خواهی اهمیت

۳۹. ملکزاده، پیشین، ص ۱۳۳.

۳۸. هدایت. خاطرات و خطرات. پیشین، ص ۱۲۲.

۴۰. رک. همانجا، ص ۲۶۴.

داشت، و چنانکه مؤلف از صبا تا نیما در بیان مقدمات انقلاب مشروطه نوشته است «تکالی که این امر [پیروزی ژاپن] به افکار ایرانیان داد، و پس از آن جنبشهای پی‌درپی در روسیه تزاری ... مردم را برای قبول تحول اساسی در شکل اداره و انتخاب راه و روش نوین زندگی آماده ساخت».^{۲۱}

سرمقاله‌ای در شماره ۱۲ سال بیستم روزنامه جبل‌المئین کلکته (۹ سپتامبر ۱۹۱۲) زیرعنوان «کشف حقیقت یا توضیح واضحات» و در بیان تاریخچه جنبش مشروطه‌خواهی نیز به این معنی اشاره دارد:

یک اسباب خارجی هم به خواست خدا در کار آمد و آن جنگ اقصای شرق و شکست فوق‌العاده دولت روس بود که یکباره پرده از روی خیالات ملت برداشته و فهمیدند که با جنبش ملی امکان دارد که یک دولت آسیایی علاوه از آنکه به حقوق خود نائل شود می‌تواند به تدریج خویشتن را از احتیاجات و رعب خارجه مستخلص ساخته با دول اروپا دم از همسری و برابری بلکه بهتری و بالاتری زند؛ درحقیقت پرده‌ای را که سلاطین قاچار و درباریان خائن به ملاحظات و اغراض شخصی پیش چشمان ایرانیان کشیده بودند فرق کرده.

فعالان نهضت مشروطه و نمونه ژاپن

در تب و تاب مشروطه‌خواهی، فعالان این جنبش بارها برای توجیه مزیت آزادی بر استبداد از نمونه ژاپن مرقی و پیروز یاد می‌کردند. صورتجلسه‌های «انجمن مخفی» که مؤلف «تاریخ بیداری ایرانیان» در کتاب خود آورده در این باره گویاست. در گزارش جلسه اول، روز پنجشنبه هیجدهم ذی‌حجه ۱۳۲۲، نوشته است که این‌گونه عنوان سخن نمود:

ای وطن‌دوستان و ای اسلام‌خواهان و اصلاح‌طلبان ... اگر حس انسانیت دارید چرا فکری به حال زار خود و هموطنان و همکیشان خود نمی‌فرمایید و چرا در اوضاع عالم مشاهده نمی‌نمایید؟ این مملکت ژاپن برادر شرقی و آسیایی شماست که می‌بینید چگونه به اوج ترقی صعود نموده و چه حرکات محیرالقول و خارق‌العاده عادت نموده و می‌نماید...^{۲۲}

در جلسه نهم انجمن مخفی (دوشنبه ۱۲ صفر ۱۳۳۲) بحثی اساسی مطرح می‌شود

۲۱. یحیی آرین‌پور. از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵، چاپ سوم، ص ۱: ۲۴-۲۵.

۲۲. ناظمه‌الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان. (بخش دوم). به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه، ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، ص ۲۴۶.

که عالم شدن ملت یا مشروطه شدن حکومت کدام باید مقدم باشد. یکی از اعضای انجمن لایحه‌ای برای فرستادن به جراید آماده ساخته و در آن چنین نوشته است:

بعضی گویند باید افراد ملت عالم شوند و علم مقدمه بیداری ملت است... عرض می‌کنم تا اساس مقدس مشروطیت فراهم نیاید، نور علم پرتوافکن ساحت ایران نخواهد شد، و تعلیم اجباری ... وقتی خواهد بود که دولت ایران مشروطه گردد. والا تا استبداد داریم جهل مصادف آن است. اگر علم فی‌الجمله را کافی می‌دانید که به این اندازه اهالی ایران عالم خواهند بود و یک علم اجمالی به حقوق خودشان که دارند. مؤید عرضم آنکه ملت روسیه تا یک اندازه عالم به حقوق خویش بودند، لیکن به واسطه استبداد و نفاق داخله دیدید چگونه مغلوب دولت و ملت معتدله ژاپن گردیدند.^{۲۳}

در مجلس یازدهم این انجمن (دوشنبه ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۳) باز تعالی ژاپن پیش‌نظر و وجه مقایسه است: «آقا سید برهان‌الدین گفت یک لایحه حاضر شده است... به اسم هر یک از رجال دولت که با شاه (به فرنگستان) رفته‌اند یکی بفرستیم، بلکه یکی هم به اسم خود شاه و یکی هم به اسم عین‌الدوله...» روزنامه مظفری پس از مدتی مدید آن را درج کرد... صورت لایحه انجمن مخفی:

وقتی که مجلسی برای وضع قانون منعقد شد فقط دوازده فصل مطرح مذاکره آید کافی است: اول - قانون عدل و ایجاد عدالتخانه. دوم - مساحت اراضی و تعیین ملاک به موجب دفتر دولتی. سوم - تعدیل مالیات بر وجه صحیح. چهارم - نظم قشون. پنجم - اصول انتخاب حکومت و تعیین حق حاکم و محکوم. ششم - اصلاح و ترویج تجارت داخله. هفتم - تصفیه عمل گمرک. هشتم - تصحیح عمل اوزان و اجناس. نهم - اصول کلیه در تأسیس مدارس علمی و تشکیل کارخانجات و معادن. دهم - تکلیف وزارت خارجه. یازدهم - اصلاح عمل مواجب و مستمریهای دولتی. دوازدهم - محدود نمودن حدود وزرا و وزارتخانه‌ها و ملاها به قانون شرع.

اگر همین فصول دوازده‌گانه مرتب و به موقع اجرا در آید، دولت ایران در عرض بیست سال از ژاپن می‌گذرد.^{۲۴}

فصول پیشنهاد شده به طور کلی همان اصلاحاتی است که در پی نهضت تجدد ژاپن در سال ۱۸۶۸ و طی سه دهه، پس از بحثها و بررسیهای فراوان، تدبیر و اجرا شد، و دور نیست که در طرح این مواد، اصلاحات ژاپن که شرح آن در روزنامه‌هایی مانند حیل‌المین

۲۳ همانجا، صص ۹۰-۲۸۸ ۲۴ همانجا، صص ۲۰۲-۲۹۸

کلکته آمده یا از طریق کتابها و مطبوعات و گزارشهای دیگر به اطلاع مشروطه‌خواهان ایران رسیده بود مورد نظر بوده است.

حکایت ران شتر دادن به بیمار

نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان در شرح یکی از رویدادهای سالهای مشروطه‌خواهی حکایتی آورده که یکی از مسائل اساسی حکومت ملی در آن مطرح است. به نوشته او: روز چهاردهم جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۴ آقای طباطبائی برحسب اصرار مردم تشریف بردند بالای منبر (و پس از بیان شهادی تاریخی به سرزنش جماعت پرداختند): ای مردم ... حال چه شده است که هرچه ما داد می‌زنیم کسی نمی‌شنود. نه غیرت در شما مانده و نه تعصب ... یک وقتی مردم علوم قدیم را تحصیل می‌کردند و درصدد علوم جدید نبودند. حال می‌گویم که علوم جدید هم دانستنش لازم است. هر وقت اقتضایی دارد. شما باید علم حقوق بین‌الملل را هم بدانید. چه سبب دارد که از تمام ملل داعی و نماینده به طرف ژاپون رفت و از ایران نرفت؟ چرا باید در ایران یک نفر از علماء زبان خارجه را نداند؟^{۲۵}

ناظم‌الاسلام نوشته است که پس از این موعظه شور غریبی در مردم پیدا شد. پس درباریان به خیال افتادند که میان آقایان علماء [بهبهانی و طباطبائی] اختلاف بیندازند و آقای طباطبائی را از مشروطه منصرف کنند. عین‌الدوله |صدر اعظم| مجلسی تشکیل داد و در آن صلاح دیدند که «ناصرالملک که در بین وزراء به سادگی و صلاح (و) علم و وطنخواهی موصوف است و محل وثوق آقای طباطبائی است، لایحه‌ای در این خصوص به آقای طباطبائی مرقوم دارد»^{۲۶}

در این لایحه، یا نامه مقاله مانند، ناصرالملک استدلال می‌کند که «امروز تقاضای مجلس مبعوثان و اصرار در ایجاد قانون مساوات و دم زدن از حریت و عدالت کامله (آن طوری که در تمام ملل متمدنه سعادت‌مند وجود دارد) در ایران همان حکایت تازیانه زدن (به مریض) و ران شتر طهاندن (به دهان او) است. ناصرالملک در بیان وجه این تمثیل، تاریخچه‌ای از تحول اوضاع ژاپن در نیمه دوم سده نوزده را که به اعطای مشروطه در این کشور انجامید آورده، و در مقدمه نوشته است:

هیچ پادشاه و امپراطوری به طیب خاطر اقتدار خود را محدود و ملت را شریک سلطنت و طرف مشورت قرار نداد، مگر اعلیحضرت میکادو «موتسوی تو» امپراطور ژاپون، و چون طلوع کوکب اقبال ژاپون از عجایب واقعات روزگار است و

امروز برای سرمشق ملل غافل خواب برده هیچ نمونه‌ای بهتر از ژاپون نیست، اگر اجازه بدهید مختصری از شرح احوال آن ملت نجیب و آن امپراطور بزرگوار به عرض برسانیم.

اگر به تواریخ رجوع شود هیچ ملتی وحشی‌تر از ژاپون دیده نمی‌شود. ترتیب حکومت این مملکت تا سنه ۱۸۶۸ میلادی که سی و هشت سال قبل از این باشد این بود که یک نفر امپراطور داشته ملقب به میکادو که دوهزار و چهارصدسال است همین خانواده در ژاپون سلطنت دارند. ولی فقط اسم سلطنت با میکادو بود ولی رسم آن با «تایکونها» (شوگونها یا سپهسالاران فرمانروا) بوده است...

میکادو حالیه... در سال سوم سلطنت خود مسافرتی به قطعه اروپا کرد، شیفته وضع و ترتیبات و ترتیب آنها شد. به دقت و غوررسی این نکته را درک کرد که تمام آن ترقیات به واسطه اتحاد ملت و دولت و عدم استبداد است. مصمم شد که در مملکت خود همان رسم را مجری دارد. ولی به خوبی ملتفت شد که به یک ملت وحشی بی‌علم و تربیتی نمی‌توان آزادی داد... پس در کمال عجله تربیت را پیشنهاد همت ساخته هزاران معلم ماهر از هر علم و صنعت از ممالک مختلفه فرنگ به ژاپون خواست و کوررها [!] شاگرد از ژاپون به مدارس فرنگ فرستاد... در سنه ۱۸۸۹ که هفده سال قبل باشد، دید ملت قدری عالم شده است که می‌تواند از عهده امورات خود برآید. فوراً اعلان و حکم مشروطیت و آزادی داد. مجالس پارلمان منعقد شد و ملت شروع به کار کرد. این است که در ظرف شانزده هفده سال خود را به جایی رسانیده‌اند که دولت روس را بدان روز نشانید که ملاحظه فرمودید.^{۲۷}

دنباله این لایحه در بیان بی‌علمی و بی‌لیاقتی مردم ایران و آماده نبودن آنها برای حکومت مشروطه است.^{۲۸}

به نوشته ناظم‌الاسلام: «عین الدوله را از این خیال چند چیز در خاطر بود: اول آنکه آقای طباطبائی را واقعاً از این خیال (قانون و مشروطه خواهی) منصرف دارد؛ ثانی آنکه از انصراف آقای طباطبائی سایر آقایان را عموماً و آقای طباطبائی را خصوصاً همراه و یا معدوم نماید؛ ثالث آنکه از اشتغال ذهن و توجه آقایان به مدارس و اوقاف، اوقات آنان را مصروف این شغل دارد.»^{۲۹}

۲۷. همانجا، ص ۸۹-۴۸۸.

۲۸. درباره میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک (دوم) همدانی نگاه کنید به پرویز ادکائی. «فرآیندهای همدان (بهره یکم، خاندان ناصرالملک بهاری)»، آینده، سال سیزدهم، شماره ۸-۱۲، صص ۵۶۸-۵۸۳.

۲۹. ناظم‌الاسلام، پیشین، ص ۲۶۲.

ترتیب تقدم میان «علم» به معنی آگاهی و بینش مردم و «آزادی» یا قانون و حکومت مشروطه، و اینکه کدام یک بنیاد و زمینه دیگری تواند بود، از مباحثی است که از آغاز نهضت تجدد ژاپن و مدت نزدیک به ربع قرن، تا اعطای مشروطیت، در ژاپن گرم بود و هر طرف بحث یکی را مقدمه و لازم دست یافتن به آن دیگر می‌دانست، و کسانی از نظریه‌پردازان و رساله‌نویسان سخت استدلال می‌کردند که مردم ژاپن که قرن‌ها در سلطه حکومت مطلقه بوده‌اند توان و آمادگی بهره‌وری از حکومت انتخابی را، که بنیاد پاگرفته و مانوسی در اروپاست، ندارند.

پیام ملت ایران به امپراتور ژاپن

ناظم الاسلام نوشته است که گروهی از مشروطه‌خواهان «انجمن مخفی» دومی برپا داشتند که مؤسس آن محمدصادق طباطبائی فرزند آقای طباطبائی بود، و می‌کوشیدند تا در رویه «سیدین سندین» تعادل و توازنی در جهت مقصود خود پدید آورند زیرا که:

آقای طباطبائی ... نه جلب خواص را طالب و نه میل عوام را مایل، فقط سعی و کوشش خود را در تأسیس مجلس عدالتخانه می‌پندارد. آقایان بهبهانی و صدر(العلماء) رسیدن به مقصود را به ریاست و نفوذ کلمه خود می‌دانند و در رسیدن به آن مقام کوشش می‌نمایند.^{۵۰}

این ایام اعضاء انجمن مخفی چنین صلاح دیدند که از طرف رئیس ملت، آقای طباطبائی، تلگرافی به پادشاه مملکت ژاپون مخابره شود. فلذا صورت تلگرافی از طرف آقای طباطبائی صادر شد که سواد آن از این قرار است:

حضور میمنت ظهور اعلیحضرت امپراطور معظم دولت بهیه ژاپون، اگرچه با اخلاق مرضیه آن اعلیحضرت و تمدن فوق‌العاده دولت بهیه ژاپون به این اظهار احتیاج نبود ولی مقام اخوت با برادران مسلمین ساکنین آن مملکت مقتضی این توصیه شده، استدعا می‌نمایم که توجه ملوکانه نسبت به آن برادران دینی طوری باشد که آسوده و محترم بتوانند از عهده تکالیف دینی و دنیوی برآیند.

رئیس ملت اسلام در ایران، محمدالحسینی الطباطبائی

مقصود و منظور اعضاء انجمن از صدور این تلگراف تشویق و تهییج آقای بهبهانی بود که عین خط آقای طباطبائی و امضای ایشان را بردند نزد آقای بهبهانی و مذکور داشتند: یکی از فواید همراهی با ملت این است که امروز آقای طباطبائی طرف با سلاطین و امپراطوران سترگ شده است. شما هم اگر بر این عزم و خیال باقی هستید که به کلی مراودات مخفیانه اجزاء خودتان را با عین‌الدوله مانع شوید و جداً

در مقام تأسیس عدالتخانه برآید، و اگر ملت به مقاصد خود نایل آید که اختیار تاج و تخت ایران با حضرت آقا خواهد بود.^{۵۱}

انعکاس در دربار قاجار

آوازه پیشرفتهای ژاپن، به ویژه پس از پیروزی در جنگ با روس، خواه ناخواه به شاه قاجار هم رسید. مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)، از محارم مظفرالدین شاه که مقارن جنگ روس و ژاپن همراه امین السلطان - پس از عزل او از صدارت و به بهانه سفر مکه - از چین و ژاپن و امریکا دیدن کرد، از واسطه‌های این پیام بود چنانکه خود نوشته است: «در موارد شرفیابی، [شاه] از ژاپن می‌پرسند، لکن از استماع حرفهای سیاسی استنکاف دارند. روزی خواستیم از سادگی ایتو (هیروبوئی) (از بانیان تجدد ژاپن) و اقدامات او در کار ژاپن صحبت کنم؛ فرمودند از نباتاتش بگو، و امری که من در آن وارد نبودم گیاه‌شناسی بود.»^{۵۲}

باز، نوبتی در فرح‌آباد مشرف شدم. جرگه معتاد دور شاه را گرفته بودند و همه روی زمین نشسته. مجلس به مزاح می‌گذرد. از من پرسیدند پسر بحرینی بدگل‌تر است یا ژاپنی‌ها. می‌بایست عرض کرد که به بدترکیبی او در ژاپن ندیدم که تفریحی بشود.^{۵۳} در مرض موت مظفرالدین شاه هم، چهل شب من مجاور (کاخ) گلستان بودم و جهنم می‌گذشت. یک شب تا صبح پای رختخواب شاه نشسته‌ام و از ژاپن حکایت کرده‌ام، بیشتر هم حسب‌الامر از درختها صحبت کرده‌ام... گاهی تصور می‌رفت شاه خوابش برده باشد، سکوت می‌کردم و آرزوی فرار. این‌طور نبود، می‌فرمودند بگو. روز به روز حال شاه بدتر می‌شود.^{۵۴}

اخبار وقایع شرق دور و پیروزی ژاپن در جنگ با روس و در نتیجه آن، بالاگرفتن نارضایتی و شورش عمومی در روسیه و شکست کار دولت تزاری که حامی قراردادی سلاطین قاجار بود به شاه می‌رسید و به یقین در روبه و رفتار دربار ایران در برابر مشروطه‌خواهان در این سالهای پر آشوب و تنش اثر داشت. آرتور هاردینگ نماینده سیاسی وقت بریتانیا در ایران در خاطرات خود که فصلی از آن مروری در وقایع دوره مأموریتش در اینجا در سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۵ میلادی (۱۳۱۹ تا ۱۳۲۴ هـ.ق) و از مراجع مهم تاریخی این سالها به شمار است، درباره مجتهدان شیعه می‌نویسد که «اینان در این اواخر نگرانی و سؤظن خود را از تمایلات روس‌خواهی صدراعظم ایران و ارباب

۵۱. همانجا، ص ۴۶۵. ۵۲. هدایت، پیشین، ص ۱۳۷. ۵۳. همانجا، ص ۱۳۸.

۵۴. همانجا، ص ۱۴۳.



امین السلطان در زاین | ۱۵۲۱-۱۶

تاجدارش مظفرالدین شاه صریح و بی‌پرده ابراز کرده‌اند.^{۵۵} در همان یادداشتها می‌خوانیم: «این سفر آخرین (مظفرالدین شاه به اوریا) مخصوصاً از این حیث جالب بود که تاریخش با پایان جنگ روس و ژاپن تقارن پیدا کرده بود. شکست تاریخی روسها در این جنگ... تأثیری بسیار عمیق در ایران و سایر کشورهای آسیایی بخشیده بود. در تاریخی که خبر این واقعه بزرگ به تهران رسید، شاه هنوز در اروپا بود، ولی تلگراف حاوی این خبر در غیاب وی به دست محمدعلی میرزا رسیده بود که بیگمان در نظرش اهمیتی فوق‌العاده داشت چونکه... در تبریز طوری رفتار کرده بود که همه او را به چشم دوست صمیمی روسیه نگاه می‌کردند.

در روز رسیدن این خبر به تهران و الاحضرت ولیعهد گویا مجلس ضیافتی برای شاهزادگان و رجال درباری ترتیب داده بوده است. در اواخر مجلس که مهمانان در شرف ترک کاخ گلستان بودند ناگهان تلگرافی به دست والاحضرت داده می‌شود به این مضمون که ناوگان جوان ژاپن نیروی دریایی روسیه را منهدم کرده است. محمدعلی میرزا... با لحنی آرام و جملاتی مختصر به حضار مجلس خبر می‌دهد... درباریان و شاهزادگان و همراهان آنها این خبر مهم را در سکوتی مطلق گوش داده و سپس همه‌شان خاموش و بی‌حرف تالار ضیافت را ترک کرده بودند... یک شاهزاده جوان ایرانی، که احساسات دوستانه نسبت به انگلیسیها داشت (و تفصیل قضیه را بعداً از او شنیدم) ... معظم‌له با اشاره چشم دستور می‌دهد صبر کند. پس از رفتن تمام مهمانان ... ولیعهد در حالی که قیافه‌اش از شادی و آسایش درونی‌اش خبر می‌داده دوباره می‌پرسد: «خبر عجیبی است! آیا حقیقتاً باور می‌کنی چنین چیزی امکان‌پذیر باشد؟ مضمون تلگراف به قدری در نظرم مهم و نشاط‌انگیز است که جرئت باورکردنش را ندارم!»^{۵۶}

این ظاهرسازی و اظهارنظر مصلحتی محمدعلی میرزا ولیعهد به شاهزاده گزارش‌نویس سفارت انگلیس نشان می‌دهد که پیروزی ژاپن بر روسیه تزاری، دولتی که آن را پشتوانه ادامه حکومت استبداد در ایران می‌دانست، تا چه اندازه برایش مهم و سرنوشت‌ساز می‌نمود.

হারدینگ می‌افزاید:

احساسات باطنی ایرانیان و وجد و طرب نهانی آنها از شنیدن این خبر بی‌شبهت به احساسات مردمان اروپای مرکزی و جنوبی (درخارج از مرزهای فرانسه) نبود

۵۵. سر آرتور هاردینگ. خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، صص ۷۹-۸۰

۵۶. همانجا، صص ۱۳۸-۱۳۹

موقعی که خیر شکست ناپلئون در واترلو میان آن ملتها پیچید. ایرانیان حق داشتند از استماع خیر شکست روسیه احساس سرور کنند زیرا سرتاسر سلطنت مظفرالدین شاه به حقیقت چیزی نبود جز یک برنامه حساب شده برای بلع تدریجی ایران (به دست یک دولت جوان آسیایی، یکی از علل اصلی و غیرمستقیم آن جنبش ملی انقلابی بود که سال بعد (۱۹۲۶م) در ایران به ظهور پیوست؛ و گرچه کارگردانان نهضت به خوبی از عهده اداره‌اش برنیامدند، ولی هدف اصلی نهضت به طور کلی از بین بردن شیوه حکومت استبدادی در ایران بود که با رشته‌های نامرئی به نظام استبدادی روسیه اتصال داشت.^{۵۷}

تصویر ژاپن پیروز در ادبیات عامیانه

به دنبال فتح شایان ژاپن در جنگ با روس و شکست ننگ‌آمیز حکومت تزاری، تصویر ژاپن پیروز در ادبیات عامیانه، و بیشتر در امثال فارسی، پدیدار شد. نمونه‌های این تأثیر را در نوشته‌های طنزآمیز دهخدا به خوبی می‌توان دید.

در نخستین شماره روزنامه صوراسرافیل، که انتشار آن بعد از استقرار مشروطیت آغاز می‌شد و تا جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری یعنی سه روز پیش از به توپ بسته شدن مجلس ادامه پیدا کرد، دهخدا در مقاله‌ای زیرعنوان «دوکلمه خیانت» خطاب به محمدعلی شاه قاجار چنین نوشت:

اعلیحضرتا! پدر تاجدار! ... در این موقع باریک و دوره انقلاب با این کشتی چهار موجه چه معامله خواهید فرمود؛ و به چه حسن تدبیر و سیاست ابواب خلاص و نجات بر روی ملت خود خواهید گشود؟ و بعد از همه اینها معروض می‌دارم که حالت ابو عبدالله شعی اسپانیولی، و میکادوی ژاپنی هر دو مثبت تواریخ و آثار است، و عالم نیز، به حسب ظاهر، عالم اختیار، و انسان هم فاعل مختار. والسلام علی محمد و آله‌الاخیار.

دهخدا در یکی از نوشته‌هایش زیر عنوان «مکتوب شهری»، که مجموعه آن به نام چرند و پرند مشهور است، در طعنه به فضل‌فروشی دهاتی از شهر برگشته می‌نویسد: «خواب بماند ده؛ راستی آدم دهاتی خیلی بی‌کمال می‌شود... حالا بین او یارقلی که تازه تره‌بارش را در شهر فروخته و به ده برگشته چه شیرین زبانها می‌کند؛ به عینه مثل اینکه خیرنگار ماتن [روزنامه فرانسوی] از شرق اقصی مراجعت کرده ...» (از مکتوب شهری شماره ۸ و ۹). در مکتوب شهری شماره ۲۰ درباره دو نفر از کسانی که طرفدار محمدعلی شاه در مبارزه با مشروطه‌خواهان و مجلس بودند، می‌نویسد: «صنیع

حضرت و مقتدر نظام را مثل «کوروپانکین» و «استاسل» دیدند که پیشاپیش بجه‌های چال میدان و سنگلج و شغال‌آباد و غیره از دو سمت با نظام به طرف مجلس می‌رفتند.^{۵۸} او وزیرنظام را به مسخره می‌گیرد که «در مسجد سپهسالار وقتی که میان دو نماز مشغول خوردن پرتقال بود صدای مهیبی شنیده‌گفت: ایوای گلوله کجام خورد، و غش کرد. بمال و امال ... یک ساعت به سحر مانده به هوش آمد. بعد معلوم شد که درب مسجد را باد به هم زده...»، و او را، به طنز، (مارشای «اویاما»ی شرق) نامیده است (مکتوب شهری، شماره ۳۶). دهخدا ژاپن و روسیه را، درحال و هوای آن روزگار، دو قطب عالم گرفته است. در مکتوب ۲۲ می‌نویسد: «از همان روزی که دستخط از شاه مرحوم گرفتند و دیدم که مردم می‌گویند که دیگر حالا باید وکیل تعیین کرد، ... گفتم بابا نکنید، جانم نکنید، به دست خودتان برای خودتان مدعی نتراشید. گفتند به! از جاپن گرفته تا په‌تل‌یرت (پترزبورگ) همه مملکتها وکیل دارند!»

پتل‌پورت یا پترزبورگ (یا پتروگراد) پایتخت روسیه تزاری، پس از جنگ ژاپن با روس و فرار بی‌امان که پین برگ، سردار پرتفرعن تزاری، یکسره از میدان جنگ تا آنجا، در امثال فارسی فراوان آمده است. شرح این فرار را حیل‌المین (شماره ۱۳ مارس ۱۹۰۵) چنین آورده است: «[ژاپنیها] خصم را اندکی از مرکز خود دور ساخته یک مرتبه چنان بر او تاختند که سرکردگان و سربازان روس دست و پا را گم کرده جلوریز راه فرار پیش گرفتند و جنرل «کرپین بُرگ» چنان خائب و خاسر گردید که بدون ساعتی درنگ تا پترسبرگ آرام نگرفت.» در امثال فارسی «فرار تا پتل پرت» به معنی فرار شتابان و پهراس، هنوز هم رایج است.

عین‌السلطنه هم در روزنامه خاطرات در یادداشت روز دوشنبه دوم جمادی‌الاول ۱۳۲۴ در شرح تند بیمودن آخرین منزل راه به مشهد و خستگی و رنج بسیار که او و همراهان به شوق سرمنزول مقصود بر خود هموار کرده بودند نوشته است:

هر کدام حکایتی و سرگذشتی از امشب داشتند که شنیدنی بود. ساعت شش هم گذشته بود. شامی خورده شد. لله الحمد اگرچه تلخ گذشت اما باز به خیر و خوشی اختتام یافت. خسته، مانده، کوفته هر یک به گوشه‌ای افتاده به خواب رفتیم. این زحمت امشب ما از مراجعت و رت رت [به فرانسه، به معنی عقب‌نشینی] کوروپانکین صعبت‌تر و سخت‌تر گذشت. صد هزار شکر که اتفاقی نیفتاد. اما به من خیلی تلخ گذشت.^{۵۹}

۵۸. درباره حمله مقتدر نظام از سنگلج و صنیع حضرت از چاله میدان به مدرسه سپهسالار نگاه کنید به: مهدیقلی هدایت. خاطرات و خطرات. پشین، ص ۱۶۰. ۵۹. عین‌السلطنه، پشین، ص ۱۶۷۵.